

معلمان امام کلاس و مدرسه هستند

گزارش آیین بزرگداشت زنده‌یاد احمد صافی در وزارت آموزش و پرورش

● هوشنگ غلامی*

«سازمان نظام معلمی باید تشکیل شود. اگر این سازمان تشکیل شده بود امروز در ارتباط با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های گوناگون با مشکلات کنونی مواجه نمی‌شدیم». این مطلب را حجت‌الاسلام والمسلمین محی‌الدین بهرام محمدیان دبیرکل سابق شورای عالی آموزش و پرورش و رئیس اسبق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در آیین بزرگداشت زنده‌یاد استاد احمد صافی که از سوی شورای عالی آموزش و پرورش در سالن نمازخانه ساختمان علاقه‌مندان در تاریخ ۱۸ آذر ۱۴۰۱ برگزار شده بود، عنوان کرد. در این مراسم که جمعی از مسئولان، مدیران و کارشناسان کنونی و سابق آموزش و پرورش، دوستان، همکاران و اعضای خانواده مرحوم صافی و کارکنان شورای عالی حضور داشتند، دکتر محمدیان در سخنان خود خاطرنشان کرد: آقای صافی را تقریباً از سال ۱۳۶۵ که از نهضت سوادآموزی به آموزش و پرورش آمدم می‌شناختم. وقتی که به انجمن اولیا و مربیان رفتم ایشان را بیشتر می‌دیدم. وی عضو شورای طراحی آموزش‌های خانواده و از جمله افرادی بود که کتابی نیز درباره آموزش خانواده نوشته بود. در آن زمان این شورا برای خانواده‌ها در سطوح مختلف، مواد خواندنی و آموزشی تولید می‌کرد و آقای صافی هم به‌همراه برخی در قید حیات نیستند، عضو آن شورا بود. از زمانی که با ایشان آشنا شدم، مرحوم صافی را مرد بزرگواری دیدم که در یاددهی آنچه که می‌دانست به دیگران بخل

E-mail: Hoshangholami43@gmail.com

* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

دکتر محمدیان:
آن مرحوم علاوه
بر بخل نوزیدن
در آموزش دادن،
خودشان نیز از
آموختن خسته
نمی‌شد و این از
روحیات همیشگی
او بود

نمی‌ورزید و از طرف دیگر هم بسیار فرد مهربان و دلسوزی بود. در پی آن نبود که کار را بر اساس یک وظیفه رسمی انجام بدهد، بلکه بر اساس عشق و علاقه کار می‌کرد. این شخصیت علی‌رغم این که عضو تحریریه نشریه و عضو شورای برنامه‌ریزی بود، ولی وقتی مدارس او را دعوت می‌کردند برای برنامه آموزش خانواده و سخنرانی به مدارس می‌رفت و با اولیاومریمان صحبت می‌کرد؛ همچنین به استان‌ها و شهرستان‌های سراسر کشور نیز سفر می‌کرد. به همت افرادی چون آقای صافی و دیگر شخصیت‌ها، مسئله آموزش خانواده توسعه پیدا کرد. زمانی که به شورای عالی آموزش و پرورش رفتم، مراودت با ایشان بیشتر شد، چون او نخستین دبیرکل شورا بعد از انقلاب اسلامی بود و کارهای زیربنایی و ریل‌گذاری‌هایی در زمان ایشان انجام شده بود. با این که برخی از وزیران آموزش و پرورش توجه ویژه‌ای به شورای عالی نداشتند، ولی او همیشه به من تأکید می‌کرد که تا می‌توانید شورای عالی را فعال کنید و خوشبختانه علی‌رغم این که شوراها فعال سایر دستگاه‌ها تعطیل می‌شدند، شورای عالی آموزش و پرورش موفق شد به کار خود ادامه دهد و برای این مسئله، آن مرحوم و دیگر دوستان زحمات بسیار کشیدند.

دکتر محمدیان تأکید کرد: یکی از کارهایی که از ایشان خواستیم و زحمت کشیدند، این بود که فعالیت یک‌صدسال گذشته شورای عالی آموزش و پرورش را بررسی و در این زمینه سمیناری را برگزار کند، آن هم درست در همان زمانی که می‌گفتند شوراها عالی باید تعطیل شوند. این کار می‌توانست در آن زمان موج آفرین باشد. ایشان را می‌دیدم که تلاش می‌کرد و علاقمند به سازماندهی در آموزش و پرورش، تربیت معلم و موضوع مشاوره بود و کوشش بسیار داشت که این امور توسعه پیدا کند. به لحاظ فردی، آقای صافی انسان متدینی بود. ایشان فردی با اصل و نسب بود و از جمله افرادی نبود که مثلاً در دوران جوانی یک جور باشد و در دوران میانسالی شکل دیگری؛ از دوره جوانی، رگ و ریشه مذهبی داشت، چون متعلق به خانواده صافی بزرگ و عالم‌زاده و عالم و از خاندان روحانیت بودند؛ مثلاً آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی پسرعموی و آقای دکتر قاسم صافی استاد برجسته دانشگاه، یکی از برادران ایشان بودند.

دکتر محمدیان با اشاره به این که مرحوم صافی همواره دغدغه دین‌مداری داشت، درباره دیگر ویژگی‌های ایشان، گفت: آن مرحوم علاوه بر بخل نوزیدن در آموزش دادن، خودشان نیز از آموختن خسته نمی‌شد و این از روحیات همیشگی او بود. در جلساتی که با هم بودیم، می‌دیدم که کاغذ و قلم همیشه همراه ایشان بود و مطلب خوب و تازه‌ای که از هر کسی می‌شنید، را یادداشت می‌کرد. او همه را به آموختن تشویق می‌کرد و همیشه خود را برای آموختن تشنه نشان می‌داد. این مسئله برای ما و جوان‌ترها یک تشویق و عامل روحیه‌بخشی بود. آقای محمدیان با بیان این که استاد صافی نسبت به آموزش و پرورش تعصب داشت و این ویژگی او برای همه عیان بود، تصریح کرد: با این که در دانشگاه و مراکز تربیت معلم هم تدریس می‌کرد، ولی

هیچ وقت به آموزش و پرورش پشت نکرد در حالی که بعضی از دوستان بودند که در آموزش و پرورش رشد کردند اما به وزارتخانه‌های دیگر منتقل شدند و اکنون حتی اصلاً نمی‌گویند که ما آموزش و پرورش بوده‌ایم. او با آن که به دانشگاه‌ها رفت و آمد می‌کرد، ولی همیشه تأکید داشت که یک معلم است، به دانشسرا رفته و در دوره ابتدایی تدریس کرده است. او این خاطرات را با شوق و ذوق و ولع خاصی می‌گفت که انسان احساس می‌کرد به این گذشته افتخار می‌کند و تعصب و علاقمندی خاصی به آموزش و پرورش و دوران معلمی خود دارد.

دکتر محمدیان، با بیان این که زنده‌یاد استاد صافی یک سرمایه واقعی بود، عنوان کرد: روزی که استاد صافی فوت کرد من با فاصله کوتاهی خبر درگذشت دکتر ضیاءالدین صدری را که از دوستان قدیمی آقای صافی بود، شنیدم. این‌ها پشتوانه و سرمایه‌ای بودند که از بین ما رفتند. شاید شخصیت‌های تازه و چهره‌های جدیدی در آموزش و پرورش بیایند که معلومات خوبی هم داشته باشند ولی این‌ها همه تکیه‌شان باید روی این سرمایه‌ها باشد. امثال ماها

آمده‌ایم روی دوش صافی‌ها ایستاده‌ایم که دیده شویم، ولی اگر این‌ها نبودند ما هم دیده نمی‌شدیم. جوان‌ترها باید این نکته را بدانند که امثال صافی‌ها و قائمی‌ها که پا به سن گذاشته‌اند و متأسفانه گاهی در دیدار با آن‌ها قصور هم می‌شود، کسانی بوده‌اند که مدیران جدید و شخصیت‌های امروز آموزش و پرورش را تربیت کرده‌اند و باید از آن‌ها به شایستگی قدردانی و تجلیل شود.

حجت‌الاسلام محمدیان تأکید کرد: برای من جای خالی ایشان بیش از جایگاه علمی او، آن حس ویژه معلمی است که کمبود آن بسیار بسیار حس می‌شود. هر وقت که او را می‌دیدم یک حس معلمی می‌گرفتم. انسان ممکن است ده تا کتاب هم بخواند اما در چهره و شخصیت افرادی چون آقای صافی همواره عشق و علاقه و حس معلم بودن مشخص و الهام‌بخش بود. او معمولاً در سخنرانی‌های خود، یک تکیه کلام معروف داشت، مخصوصاً در جمع‌هایی



مسئولان می‌توانند در مشکلات و بحران‌ها در میان معلمان باشند

که مسئولین هم بودند می‌گفت: من از طرف بچه‌های داشلی برون، بچه‌های گنبد، شیراز، تربت جام، بیرجند، بجنورد، آذربایجان و همین‌طور الی آخر ... اسم‌ها را می‌گفت و نشان می‌داد که همه این‌جاها را رفته و دیده است و به نوعی، آن حس را می‌خواهد منتقل کند. آقای محمدیان تصریح کرد: اعتقاد من این است که آقای صافی سیمای یک معلم متعهد، دلسوز و علاقمند است و تا معلم نباشد آموزش و پرورش روح و جان ندارد. کتاب درسی و برنامه آموزشی مهم است، ولی آنچه کتاب درسی را به نطق در می‌آورد، معلم است. آن که روابط و قوانین و مقررات را به جریان می‌اندازد، معلم است. شما اگر بهترین قانون‌ها و بهترین کتاب‌ها را بنویسید یا بهترین ساختمان‌ها را بسازید، ولی معلم نداشته باشید تربیت اتفاق نمی‌افتد. معتقدم که معلم، امام آموزش و پرورش است. اگر آموزش و پرورش باید رشد و توسعه پیدا کند، باید تبعیت از معلم داشته باشد و برای معلم کار کند. مقام معظم رهبری معلم را علمدار توصیف فرمودند؛ لذا معتقدم که مسئولان ما باید اولاً به تربیت معلم در دانشگاه‌ها توجه کنند، ثانیاً در تربیت معلمان، دقت داشته باشند که فقط آموختن کتاب به آن‌ها کافی نیست، بلکه معلم تربیت کنند و فنون مشاوره و راهنمایی، فن معلمی، کلاس‌داری، گفت‌وگو با دانش‌آموزان، تقویت حوصله و صبر، تقویت روح تساهل و تسامح با دانش‌آموزان، مدارا کردن و روش‌های انتقال پیام‌های تربیتی به معلمان را در مراکز تربیت یاد دهند تا آن‌ها وقتی به داخل مدرسه و کلاس می‌روند بتوانند راه را به دانش‌آموز نشان دهند. ما نباید در دانشگاه تربیت معلم، آدم‌هایی را که مصیبت‌دیده جای دیگری و گرفتار مسائل مختلف از جمله موضوعات روحی، روانی و معیشتی هستند، پذیرش کنیم. این افراد می‌توانند و باید برای ترمیم زندگی خود جاهای دیگر و شغل‌های دیگر را انتخاب کنند، چون معلمی، عشق و علاقه خاصی می‌خواهد. کار تعلیم و تربیت افرادی چون آقای صافی را می‌خواهد، یعنی این‌که باید برای معلمی مانند صافی‌ها را انتخاب و تربیت کنیم. مهم‌تر از آن وقتی که چنین معلمی را جذب و تربیت کردیم، او را خوب نگهداری کنیم. معلمان، امام کلاس و امام مدرسه هستند؛ اگر این امام مشکل و مسئله داشته باشد نمی‌تواند کار کند. بنابراین در زمینه بحث‌هایی که امروز مانند رتبه‌بندی معلمان مطرح است، باید زودتر تعیین تکلیف شود. معلم نباید در صف انتظار بایستد، معلمان نباید پشت در بسته بمانند معلم نباید احساس کند که از یاد رفته است.

دکتر محمدیان با تأکید بر اینکه مسئولان آموزش و پرورش باید به میان معلمان بروند و با آن‌ها گفت‌وگو کنند، متذکر شد: مسئولان می‌توانند در مشکلات و بحران‌ها در میان معلمان باشند. من انتظار داشتم که در شرایط چند ماه اخیر و قبل از آن هم که مسائلی اتفاق افتاده و تجمعات معلمان برگزار شده است، وزیر آموزش و پرورش و معاونین وزارتخانه در میان معلمان حاضر می‌شدند و نشست‌های چند صد نفره در شهرستان‌ها با حضور وزیر اتفاق می‌افتاد تا معلمان می‌دیدند که وزیران و معاونان و مدیران کل وزارتخانه در میان آن‌ها هستند، نه این‌که معلمان بیایند مقابل وزارتخانه تجمع کنند و یا بروند

پیامبران ما
می‌رفتند در جمع
مردم و گاهی سنگ
هم می‌خوردند،
ولی حرف خودشان
را می‌زدند و
حرف مردم را هم
می‌شنیدند

خواسته خود را با دیگران مطرح کنند یا مثلاً جلوی مجلس بروند. معلم با چه کسی می‌خواست صحبت کند و حرف خود را منتقل کند؟ معلمان اگر احساس می‌کردند که وزیر آن‌ها آمده است و می‌گوید من نماینده شما معلمان در دولت هستم، دیگر آن‌ها به خود اجازه نمی‌دادند که بروند جلوی مجلس یا نامه بنویسند. وزیر آن‌ها این کار را انجام می‌داد. لذا الآن هم دوست داریم که تا دیر نشده است این کارها را انجام بدهند. معلمان نباید در صف بایستند. پیامبران ما می‌رفتند در جمع مردم و گاهی سنگ هم می‌خوردند، ولی حرف خودشان را می‌زدند و حرف مردم را هم می‌شنیدند. معلمان وقتی صفا و صمیمیت ببینند و احساس کنند که با صراحت و صداقت حرف دل آن‌ها بیان و فهمیده می‌شود، خودشان دیگر اجازه نمی‌دهند که از برخی از اسم معلم سوءاستفاده و یا احياناً به نام معلم شانتاژ کنند.

دبیرکل سابق شورای عالی آموزش و پرورش با تأکید بر این که معتقدم سازمان نظام معلمی باید حتماً تشکیل شود، خاطرنشان کرد: بسیاری از مشکلاتی که امروز از ناحیه رتبه‌بندی معلمان مطرح است با وجود سازمان نظام معلمی حل می‌شد. اگر این سازمان وجود داشت ما می‌توانستیم در جهت رتبه‌بندی، ارزشیابی‌های حرفه‌ای انجام بدهیم و همه‌ی ضوابط و مقررات و موفقیت‌ها را خود معلمان ارزیابی می‌کردند و امروز به اینجا نمی‌رسیدیم که رتبه‌بندی را ابزار فشار و وسیله جرم‌انگاری کرده‌اند. اگر سازمان نظام معلمی بود، هیچ‌کس این حرف‌ها را نمی‌زد. در چنین فضایی، برخی از افراد معلمی از یادشان رفته است. برخی از افراد هستند که چند سال است که به واسطه گروه‌هایی که با آن‌ها هم‌فکر بوده‌اند رفته و مدیر مدرسه شده‌اند، مدیر شهرستان و کارشناس فلان اداره شده‌اند و حالا که به آن‌ها می‌گویند برگردید و تدریس کنید، اصلاً یادشان رفته که تدریس کنند و عزا می‌گیرند که باید به صحنه تدریس و آموزش برگردند، درحالی که معلم باید معلمی کند و معلمی یادش نرود. الآن در زمینه رتبه‌بندی معلمان با این مشکلات مواجه شده‌ایم. اگر رتبه‌بندی معلمان در داخل سازمان نظام معلمی اتفاق می‌افتاد و یک گروهی از خود معلمان، افراد را ارزیابی و سنجش حرفه‌ای می‌کردند و با نظارت وزارت آموزش و پرورش و دولت این کار انجام می‌گرفت، معلوم می‌شد که معلمان در چه دوره‌های نیازمند بازآموزی و کارآموزی هستند، مثلاً الآن به نوعی، در حق معلمان غیرانتفاعی ظلم و اجحاف می‌شود. چون غیر از چند برند معروف، در دیگر مدارس غیر دولتی، به خاطر وضع بی‌کاری و بی‌شغلی، از برخی معلمان سوء استفاده می‌شود و آن‌ها واقعاً مورد استثمار قرار می‌گیرند. اگر سازمان نظام معلمی بود جلوی این کارها را می‌گرفت. الآن برخی، بدون صلاحیت معلمی می‌کنند و به‌عنوان آموزش به خانه‌های مردم می‌روند، درحالی که هیچ مجوزی ندارند. این مسائلی است که امثال زنده‌یاد آقای صافی نگران آن بود و می‌گفت: اگر معلمان که امامان آموزش و پرورش هستند، خوب تربیت نشوند و از آن‌ها خوب نگهداری نشود و در جمع آن‌ها حضور نیابیم و صدای آن‌ها را نشنویم، در این میان کسانی پیدا

آخرین کتاب استاد
به نام سالمندی و
روش سالم زیستن
به زودی چاپ و
منتشر می شود

می شوند که به اسم و نام معلم اوضاع یاددهی و یادگیری در آموزش و پرورش را به هم می ریزند.

دکتر محمدیان در پایان تصریح کرد: باید در جهت صیانت از مقام علمی و شخصیت‌هایی چون دکتر صافی عزیز نسبت به معلمان توجه ویژه و خاص داشته باشیم.

□ هدف استاد، اعتلای تعلیم و تربیت بود

دکتر ناصر صافی، فرزند زنده‌یاد صافی و استاد دانشگاه فرهنگیان نیز در این مراسم، ضمن سپاس از حاضران و قدردانی از همدردی مسئولان، مدیران و کارکنان وزارت آموزش و پرورش، وزیران سابق و دبیران کل شورای عالی، طی سخنان کوتاهی تأکید کرد که استاد صافی هشتاد و پنج سال زندگی زیبا و پاکی داشتند و همواره در مسیر امید دادن به انسان‌ها و همکاری و همراهی با افراد دلسوز و متعهد در عرصه تعلیم و تربیت فعالیت کردند. دکتر صافی با تأکید بر علاقه و توجه استاد به طبیعت‌گردی و ایرانگردی، فرهنگ و ادب ایران، مطالعه مستمر، ارزیابی و بازیابی وضعیت موجود در مدارس، تألیف و تحقیق، حضور در جلسات عمومی، آموزش و تدریس در دانشگاه‌ها، جمع‌آوری اسناد دانشگاهی و مدرسه‌ای، مشارکت و همکاری با خیرین به ویژه در امر مدرسه‌سازی، پیگیری مسائل سالمندان و بازنشستگان آموزش و پرورش یادآور شد: آخرین کتاب استاد به نام سالمندی و روش سالم زیستن به زودی چاپ و منتشر می‌شود. وی متذکر شد: استاد صافی بسیار منظم، پی‌گیر و با مسئولیت بود. اکنون کتابخانه او، گنجینه با ارزشی است. او ضمن این که در دانشگاه تدریس می‌کرد ولی از رفتن به مناطق محروم کشور برای دیدار با مردم و سخنرانی کوتاهی نمی‌کرد. خدمت به بازنشسته‌ها را عبادت می‌دانست و برای بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی آنان بسیار کوشید. فرزند استاد صافی همچنین تصریح کرد: هدف استاد اعتلای تعلیم و تربیت بود و به یک وزیر و یک مسئول به خصوص فکر نمی‌کرد و همواره برای ارتقای آموزش و تحقیقات سخت می‌کوشید.

□ پیام دکتر یوسف نوری، وزیر وقت آموزش و پرورش

دکتر یوسف نوری، وزیر آموزش و پرورش نیز در پی درگذشت استاد صافی در پیام خود خاطرنشان کرد: درگذشت استاد فرهیخته و برادر ارجمند زنده‌یاد جناب آقای احمد صافی از پیشکسوتان نظام تعلیم و تربیت کشور و منشأ تحول و تعالی در آموزش و پرورش بود. به خانواده محترم ایشان و جامعه علمی و فرهنگی کشور تسلیت می‌گوییم. دانش، توانمندی، مسئولیت‌پذیری، حسن خلق و تواضع از جمله برجستگی‌های شخصیتی آن اندیشمند فرزانه است که هرگز فراموش نخواهد شد. از درگاه خداوند سبحان برای ایشان غفران و رحمت بیکران الهی و برای بازماندگان محترم سلامت و شکیبایی خواهانم.

□ پیام دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دکتر حداد عادل:
مرحوم صافی معلم
پیشکسوتی بود که
به معلم بودن خود
افتخار می کرد

دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو شورای عالی آموزش و پرورش نیز در پیام تسلیت خود آورده است: خیر درگذشت استاد دانشمند و معلم ارجمند شادروان احمد صافی موجب تأثر و تأسف همه کسانی شد که ده‌ها سال از دانش، مدیریت و خدمات آموزشی آن بزرگوار بهره برده بودند. مرحوم صافی معلم پیشکسوتی بود که به معلم بودن خود افتخار می کرد و نخستین دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و با قبول مسئولیت در صف آموزش و پرورش و تدریس در دانشگاه به تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی خدمت کرد. علو درجات آن معلم مؤمن، و صبر و اجر بازماندگان محترم ایشان را از خداوند کریم مسئلت می کنم.

□ پیام دکتر داوری، رئیس فرهنگستان علوم

دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم نیز در پیام تسلیت خود عنوان کرده است: آقای احمد صافی دانشمند، دوستدار و غم‌خوار آموزش و پرورش درگذشت. ایشان همه عمر پر ثمر خود را در خدمت صادقانه و شاید غلو نباشد که بگوییم در عشق به پیشه شریف تعلیم و تربیت گذراند. خداوند ایشان را رحمت فرماید. در زمانی که عشق به آموزش و پرورش و امثال این معانی افسانه شده است، درد و دریغ این فقدان بزرگ‌تر است. این ضایعه را به بازماندگان این فقید گرامی و استادان تعلیم و تربیت و به همه معلمان و دانش‌آموزان به خصوص به اخوی گرامی ایشان تسلیت می گویم.